

چکیده

عصیان و نافرمانی نوعی شکستن قوانین و محدودیت‌ها است که حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد. عصیان و نافرمانی به خارج شدن از اصول و قوانینی گفته می‌شود که توسط قدرتی برتر وضع شده است. این قوانین اگر در حیطه‌ی مذهب باشند، گناه محسوب شده و اگر در حیطه‌ی اجتماعی باشند، سرکشی و شورش تلقی می‌شوند. در ادبیات، می‌توان بازتاب‌های مختلفی از هر دو رویه را مشاهده کرد. این پژوهش با هدف بررسی مقایسه‌ای میان دیدگاه احمد شاملو و سهراب سپهری نسبت به مقوله‌ی عصیان و نافرمانی با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و نتایج حاصل از آن نشان داد که هر دو شاعر، نسبت به قوانینی که خلاف انسانیت و آزادی اجتماعی باشند، واکنش نشان داده‌اند. در این میان، شاملو به دلیل دیدی سیاسی که بیشتر اشعار او را دربرگرفته بیشتر به عصیان‌های اجتماعی مانند سکوت، تسلیم در برابر قوانین نادرست و نافرمانی نسبت به شرایط موجود جامعه اشاره کرده است؛ اما سهراب سپهری، به درونیات و قوانین فردی که برخاسته از فرهنگ و افکار انسانی است، توجه نشان داده است، مانند ناامیدی که او آن را نوعی عصیان قلمداد کرده است. اما در مواردی چون عواقب عصیان، دعوت به آن و عصیان نسبت به درونیات و ... هر دو شاعر دارای رویکرد فکری یکسان و نقطه‌نظر مشابه هستند.

واژه‌های کلیدی: عصیان و نافرمانی، احمد شاملو، سهراب سپهری.